

سبک زندگی در تفسیر عرفانی کشف الاسرار رشیدالدین میبدی

دکتر عطا محمد رادمش^۱

دکتر محبوبه خراسانی^۲

فاطمه پهلوان شمسی^۳

چکیده

سبک زندگی اسلامی یک نوع روش خاص زندگی است که نتیجه تربیت بر بنیاد آموزه‌های مکتب اسلام است. معادل این واژه در فرهنگ اسلامی «سیره» است که مجموعه‌ای از طرز تلقی‌ها، ارزش‌ها، شیوه‌های رفتار و حالات و سلیقه‌ها را در بر می‌گیرد. تعالیم اسلام دستورالعمل کلی به منظور وصول به سبک زندگی اسلامی ارائه کرده است. کتاب «کشف الاسرار و عده الابرار» نوشته ابوالفضل رشیدالدین میبدی، از تفاسیر کهن پارسی است که بیش از نه قرن پیش نوشته شده است. این کتاب از نمونه‌های سخته و فاخر نثر فارسی در قرن ششم هجری است. رشیدالدین میبدی این کتاب را در سال ۵۲۰ هجری به انجام رسانده است. با سیر در تفسیر عرفانی کشف الاسرار میبدی شیوه چگونه زیستن به سبک مطلوب دینی و سلوک برای مسیر هدفمند و منتج به عالم رستگاری در صور متنوع پیش چشم جوینده نمایانده می‌شود. این مقاله پس از تعریفی که از سبک اسلامی ارائه داده به بیان سبک زندگی در ابعاد فردی، خانوادگی، اجتماعی در تفسیر عرفانی کشف الاسرار میبدی پرداخته است.

واژگان کلیدی: کشف الاسرار، سبک زندگی، اسلام، انسان

۱. استاد گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد نجف‌آباد، نجف‌آباد، ایران.

۲. استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد نجف‌آباد، نجف‌آباد، ایران.

۳. دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد نجف‌آباد، ایران (نویسنده مسئول)
fpahlavan4@gmail.com

تاریخ پذیرش

۹۶/۱۰/۲۷

تاریخ دریافت

۹۶/۶/۲۱

۱. مقدمه

در دهکده جهانی معاصر، سبک‌ها و شیوه‌های متعددی برای زندگی مطابق با ادیان، علوم، سلايق، آداب و رسوم و فرهنگ‌های مختلف در جوامع وجود دارد. محققان تعاریف گوناگونی براساس بینش و نگرش خود ارائه داده‌اند. جامعه‌شناسان در تعاریف جامعه‌شناسانه خود بیشتر برهنجارها و منش‌های اجتماعی فرد در جامعه تأکید دارند و روان‌شناسان بیشتر به بعد فردی و شخصیتی می‌پردازند ولی آنچه مهم است این تعاریف تک بعدی هستند. یکی از عوامل مهمی که پرداختن به سبک زندگی اسلامی را ضرورت می‌بخشد، ظهور نا کارآمدی تمدن مادی و یأس بشر از این تمدن و سبک زندگی برآمده از آن و گرایش به معنویت است. ناگفته پیداست تضادی جدی بین فرهنگ غرب و فرهنگ اسلامی وجود دارد و تعریفی که فرهنگ اسلامی از زندگی و خوب و بد بودن آن براساس آخرت‌گرایی و نقش مزرعه آخرت بودن و زندگی دنیوی برای زندگی اخروی که هدف اصلی و زندگی واقعی برایمان دارد درست در نقطه مقابل فرهنگ غربی است که بر مبنای مکتب اومانیسم و لذت‌گرایی و هدف غایی بودن زندگی دنیوی استوار است. تمدن غرب نه تنها نتوانست سعادت، رفاه و کرامت را برای بشریت به ارمغان آورد، بلکه منشأ مشکلات و نابسامانی‌های زیادی در ابعاد مختلف روحی و رفتاری و ذهنی شده است. سبک زندگی برآمده از تمدن غرب بر پایه ستیز با معنویت بنا نهاده شده و از این رو تمام ابعاد آن همگی قربانی حذف معنویت و بی‌اعتنایی به ارزشهای دینی شده است.

با بررسی تاریخ اسلام در می‌یابیم که اسلام در جایی متولد شد که تعلیم و تربیت، مسائل مربوط به کتابت، نوشتار و مراکز علمی و پژوهشی مطرح نبود. در چنین فضایی اسلام با کتاب بزرگ قرآن که «إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لِلَّتِي هِيَ أَقْوَمُ وَيُبَشِّرُ الْمُؤْمِنِينَ الَّذِينَ يَعْمَلُونَ الصَّالِحَاتِ أَنَّ لَهُمْ أَجْرًا كَبِيرًا» (اسراء/ ۹)؛ این قرآن به درست‌ترین آیینها راه می‌نماید و مؤمنانی را که کارهای شایسته به جای می‌آورند بشارت می‌دهد که از مزدی کرامند برخوردار خواهند شد. متولد شد و در آن فضای خاص، تمدنی بزرگ آفرید. دین مبین اسلام به عنوان یک دین جامع و پیشرو، الگو و سبک خاص و ویژه‌ای در همه حوزه‌ها دارد که باید مورد توجه و تبیین خانواده و در یک کلام اجتماع اسلامی قرار گیرد و به کار بستن دستورهای قرآن و بهره‌مندی از آنها به رشد این فضایل در اجتماع کمک می‌کند.

۲. پیشینه تحقیق

در بررسی پیشینه پژوهش مشخص شده است که تاکنون مطالعه‌ای در خصوص بررسی سبک زندگی در کشف‌الاسرار پرداخته نشده است. اما مطالعات متعددی با رویکرد تحلیل ابعاد شناسایی مسئولیت‌پذیری در سبک زندگی اسلامی (سبحانی‌نژاد و نجفی، ۱۳۹۳: ۱۷۰-۱۵۰)، همچنین به مطالعه سبک زندگی ائمه و پیامبر در مواجهه با دیگران (فقیهی، نجفی، ۱۳۹۴: ۱۵۸-۱۳۸) یا درآمدی بر سبک زندگی اسلامی در آیات و روایات (شریعتی، ۱۳۹۲: ۱۰-۲) مورد بررسی قرار گرفته است. این پژوهش در پی آن است که با توجه به روش کتابخانه‌ای و با کمک فیش برداری از متون و مبانی نظری به برخی از آموزه‌های سبک زندگی در تفسیر عرفانی کشف‌الاسرار بپردازد.

۳. بحث و بررسی

سبک زندگی نظام واره خاص زندگی است که به یک فرد، خانواده یا جامعه با هویت خاص اختصاص دارد. با سیر در کشف‌الاسرار میبیدی درمی‌یابیم که میبیدی سعی کرده است از آیات قرآن نکات و لطایف عرفانی برکشد که برای هر رفتاری در زندگی راه و رسم مطابق با دین مبین اسلام پیش روی ما قرار داده که با مراجعه و مطالعه آنها به شناخت راه درست زندگی نائل شویم. در اینجا برخی از الگوهای درست زیستی را در کشف‌الاسرار بررسی می‌کنیم.

۳.۱. تفسیر عرفانی کشف‌الاسرار و عده‌الابرار

در طول تاریخ زبان وادب فارسی، اهل ادب و ذوق و معرفت، تفاسیر مختلفی به دست داده اند. کتاب کشف‌الاسرار و عده‌الابرار، تفسیر بزرگ مشروحه‌ای است از قرآن که تألیف آن در اوایل سال (۵۲۰ ق) توسط ابوالفضل رشیدالدین میبیدی آغاز شد و به همت آقای علی اصغر حکمت از سال (۱۳۳۱ ش) به بعد در ده مجلد در دانشگاه تهران به طبع رسیده است (رکنی، ۱۳۸۹: ۳۶).

تفسیر عرفانی کشف‌الاسرار رشیدالدین ابوالفضل میبیدی به ویژه در «نوبت الثالثه» با مشرب کاملاً عرفانی به اعتبار روح و جوهره خاص آن، مقام منحصر به فردی دارد (رکنی، ۱۳۸۹: ۳۶). این تفسیر عرفانی براساس تفسیر خواجه عبدالله انصاری نوشته شده است. میبیدی در این کتاب آیات قرآن را در سه نوبت تفسیر می‌کند. ابتدا ترجمه

آیات به فارسی فصیح بیان می شود که «النوبه الاولى» معروف است. سپس در «النوبه الثانيه» همان بخش، به شیوه عام مفسران تفسیر می کند (انزایی نژاد، ۱۵: ۱۳۸۸). در «النوبه الثالثه» قرآن به مذاق عارفان تفسیر می شود. در این نوبت است که انشای شیوا و شیوه دلنشین میبیدی در روایت کلمه عارفان و سخن صوفیان و لطیفه مذکران به بلاغتی کامل می رسد (جلالی پندری، ۱۳۷۸: ۴).

۳.۲. سبک زندگی در تفسیر عرفانی کشف الاسرار میبیدی

سبک زندگانی از جمله دیدگاهها و تعاریف مختلف و متضادی پیرامون آن وجود دارد. در زبانهای مختلف از ترکیب سبک زندگی در شکل های مختلف یاد شده است. آلمانی (lebensill)، در زبان انگلیسی به دو شکل (style of life/living) در گذشته و امروز بیشتر به صورت (life style) استفاده شده است (ر.ک. شکاری ۱۳۸۹: ۵۳۸). این دو ترکیب از دو واژه سبک و زندگی تشکیل می شود. معنای لغوی واژه زندگی روشن است اما در لغت نامه ها معانی گوناگون برای واژه سبک درج شده است. به عنوان نمونه نوع روش و طرز شیوه (معین، ۱۳۸۵: ذیل واژه) و سبک ااثیه، شکل دادن یا طراحی چیزی مطابق با معیار شناخته شده، شیوه ای که برآورنده و متناسب پنداشته می شود به ویژه در رفتار اجتماعی، نحوه عرضه، خاصه در موسیقی یا یکی از هنرهای زیبا و نیز شیوه مشخص تغییر در نوشتار یا گفتار. (آریان پور، ۱۳۸۹: ۱۴۳۷) سبک زندگی، روش سلوک در حیات فردی و اجتماعی و به بیان دیگر مجموعه منظم و به هم مرتبط از رفتارهای افراد در زندگی فردی و اجتماعی آنان که مبتنی بر برخی بینش ها و ارزش های برآمده از آنهاست (مهدوی کنی، ۱۳۹۰: ۵۱). سبک زندگی عنوانی شناخته شده آن در دنیای علمی امروز، عبارتند از فعالیت های فیزیکی، اوقات فراغت، خواب و بیداری، روابط اجتماعی، روابط خانوادگی، معنویت، ایمنی و آرامش و غیره، که هرکدام به منزله بزرگ راهی از راههای زندگی افراد شمرده می شود. سبک زندگی شیوه ای نسبتاً ثابت است که فرد اهداف خود را به وسیله آن پی می گیرد. با این بیان سبک زندگی شامل اموری می شود که زندگی انسان اعم از بعد فردی، اجتماعی، مادی و معنوی مربوط می شود. منظور از سبک زندگی اسلامی شیوه زندگی فردی و اجتماعی است که همه یا بیشتر متدینین به اسلام یا قشر مؤثری از جامعه اسلامی به آن عمل می کنند و در رفتارشان منعکس است. (ر.ک؛ مصباح، ۱۳۹۲: ۶) زندگی

انسان در سبک اسلامی یک زندگی دنیا و آخرتی است به این معنی که دنیا و آخرت را باهم و در کنار یکدیگر دارد، یکی مکمل دیگری است. این سبک باورش این است که تا دنیا را درست انجام ندهد به آخرت نخواهد رسید و اگر آخرت آباد می خواهد باید انسان شایسته ای در پیشگاه خدا باشد. در قرآن یکی از آیات این است «ربنا اتنا فی الدنيا حسنه و فی الآخرة الحسنه». خدایا به من هم خوبی های دنیا و هم خوبی های آخرت را بده. در این پژوهش مبانی سبک زندگی را با توجه به رفتارهای فردی و خودسازی، عملکرد خانواده، اموراجتماعی تقسیم می کنیم. چون هر شخصی در زندگی خود دارای هویتی است یا به عبارت دیگر هویتش در چند جای نشان داده می شود. یکی به صورت فردی است که انسان هر جای عالم باشد بین خود و خدای خود ارتباطی دارد که آن را جز مسائل فردی می دانیم. هویت دوم شخص به عنوان یک عضو خانواده است که در آنجا ارتباطات و مسئولیتها و فعالیت های جدیدی پیدا می کند. هویت سوم نیز هنگامی است که شخص به عنوان یک عضو در اجتماع قرار می گیرد. افراد در جریان تعامل با سایرین و درک موضوعات گوناگون به آگاهی اجتماعی خود افزوده و از این طریق مهارت های اجتماعی لازم را جهت اقدام در عرصه های اجتماعی به دست می آورند و همچنین نوع برخورد فرد با طبیعت نیز می تواند نشان دهنده هویت وی باشد.

رفتارهای فردی و خود سازی: منظور از گرایش ارزش ها و اخلاقیاتی است که به سلیقه و توانایی افراد در زندگی فردی شان جهت می دهد و ضمن شکل دهی به اخلاقیات و رفتارهای آنان بر سبک زندگی آنها تأثیر می گذارد. در حقیقت در این سطح مطلوب بودن هر چیزی در فرهنگ اسلامی براساس نقشی تعریف می شود که در سعادت انسان و نزدیکی او به خدا تأثیر دارد.

۳. ۲. ۱. اطمینان و آرامش

آدمی زمانی که قلب و زبان و اندیشه اش به یاد خداست و به ذکر او مشغول است، نوری از باطن برنفس او می تابد و سراسر روح و قلبش را تابناک می کند که در متون دینی از ذکر و یاد خدا به عنوان نور دلها و جلای قلوب تعبیر شده است. یاد خداوند، مطمئن ترین و بهترین راه برای بهبود و اصلاح سبک زندگی انسان است. «الذین آمنوا و تطمئن قلوبهم بذكر الله» اشارت است که مؤمنان ایشانند که در یاد الله دلهاشان بیاساید و آرمیده گردد (رشیدالدین میبدی، ۱۳۳۹، ج ۴: ۱۱).

۳.۲.۲. تکیه و توکل بر خداوند

خویشتن را از کارها بیرون آرید، و یکسر شغلها به مولا سپارید و به او واگذارید که اوست سازنده کار بندگان. از اول بنده را رایگان بیافریند، چون در ظهور آرد، از آب و آتش نگه دارد. پس چون دست به مخلوق بردارد، خطاب آید که «کفوا ای‌دیکم» (۱) دست از مخلوق فرو دار و به خالق بردار که خداوند با وفا است، دهنده عطا و پوشنده خطا است، در مهربانی و کریمی بی همتاست (رشیدالدین میبدی، ج ۲: ۵۹۶). «و علی الله فلیتوکل المؤمنون». اهل ایمان را از توکل چاره نیست و آن را که توکل نیست، ایمان نیست. توکل بر کسی باید کرد که او به عزیزی معروف باشد تا به عزّ وی عزیز گردد و نگر تا اعتماد بر کسی نکنی که امروز هست و فردا نه، اعتماد بر پادشاهی کن که تغییر و تبدیل و زوال را به دامن جلال او را نه (همان، ج ۴: ۱۵۲).

۳.۲.۳. خشوع در نماز

خشوع در نماز گوهری است نفیس، کیمیایی است که هرچه فساد بود به اصلاح آرد، تفرقه به جمع به دل کند از قبض باز رهند به بسط رساند، سیآت محو کند، حسنات ثبت کند، حجابی است از خلق، حسابی است با حق، در معرکه مرگ مبشر است، در ظلمت گور مؤنس است، در وحشت لحد انیس است، در عرصه قیامت عدیل است، در وقت عرض شفیع است، از دوزخ ستر و به بهشت دلیل است (همان، ج ۶: ۴۲۲).

۳.۲.۴. شکر خداوند

شکر، شناخت نعمت خداوند است و سپاسگزاری آن نعمت. درویشی از روزگار نامساعد، پیش پیر طریقت بنالید. پیر گفت: ای ظریف درویش! دوست داری ترا چشم نبود و ده هزار درم در دستت بود؟ درویش گفت: نه! پیر گفت: خواهی که عقلت نبود و همان ده هزار درم بود؟ گفت: نه، پیر گفت: ای مسکین! به دو حرف ترا بیست هزار درم حاصلست، ترا چه جای شکایت است؟! (همان، ج ۸: ۳۰)

۳.۲.۵. تفکر در اعمال و افعال خود

آدمی باید در هر شبانه روز ساعتی به تفکر در کار خود بپردازد، اخلاق باطنیه و اعمال ظاهری خویش را تفحص کند، و احوال دل و جوارحش را تجسس نماید. لوح دل را در مقابل خود نهاده، آن را ملاحظه کند، و دفتر شبانه ی خود را گشوده، سرتا پای آن را

مطالعه فرماید. حکایت کنند: از آن پدری که مر پسر خویش را گفت: امروز هرچه با مردم گوئی و بر زبان خود رانی، نماز شام همه با من بگوی و سکنت و حرکات خویش بر من عرض کن، آن پسر نماز شام به جهدی و رنجی عظیم و تکلفی تمام یک روزه گفتار و کردار خویش با پدر بگفت، دیگر روز همین درخواست کرد، پسر گفت: زینهار ای پدر! هر چه خواهی از رنج و کلفت بر من نه و این یکی از من مخواه که طاقت ندارم. پدر گفت: ای مسکین! مرا مقصود آنست که بیدار و هشیار باشی و از موقف حساب و عرض قیامت بترسی، امروز حساب یک روزه با پدر خویش با چندین لطف طاقت نداری، فردا حساب همه عمر با چندان قهر و مناقشت که نفیر و قطمیر فرو نگذارند چون طاقت آری؟! (همان، ۱۳۳۹، ج ۵: ۵۳۶)

۳. ۲. ۶. اعتقاد به معاد

معاد رکن جهان بینی اسلامی و از شروط مسلمانی است و پیامبر بعد از اصل توحید به مهمترین اصلی که توجه کرده است، اصل معاد است زلزله رستاخیز و سیاست قیامت آن را چه شرح و چه نشان توان داد که رب العزه گفت: «شیء عظیم» چیزی عظیم است (همان، ج ۶: ۳۴۲).

۳. ۲. ۷. صبر و بردباری

انسان در برابر مصیبت‌ها وسختی‌های زندگی می‌تواند دو شیوه متفاوت در پیش گیرد: ۱. صبر کرده و با آن به شکلی کنار آید تا بتواند از آن مصیبت بهره گیرد یا از آن مصیبت به آسانی بگذرد بی‌آنکه در راه رسیدن به هدف اصلی مانعی شود؛ ۲. فزع و بی‌تابی کند و واکنش‌های عصبی و هیجانی از خود بروز دهد و نومید شود. حزن و اندوه از دست دادن، او را چنان دربرگیرد که از هرگونه حرکت و اقدامی برای جبران یا بهبود یا تغییر اوضاع دست بردارد. بی‌گمان روش نخست بهتر است؛ زیرا تا زمانی که مرگ نرسیده هر چیزی قابل جبران است اما بی‌تابی و فزع به معنای پذیرش شکست بدون جبران است، به طوری که شخص را از همه چیز محروم می‌کند و افزون بر مصیبت، مصیبت دیگری را خود رقم می‌زند که سنگین‌تر و سخت‌تر از مصیبت پیشین است. پیامبر (ص) فرمودند: «الصبر نصف الايمان و اليقين، الايمان كله». صبر یک نیمه ايمان است و یقین همه ايمان. (همان، ج ۹: ۱۷۲) و معنی صبرهموار بودن است بی تلون، هرکه از مقام تلوین به هیئت تمکین رسد مقام صبر او را درست گردد. و این صبرهم در فعل باید هم در خلق. در فعل آن است که

ظاهر بر موافقت داری و باطن در مخالفت. و در خلق آنست که اگر جفا شنوی عذر دهی و اگر اذی نمایند شکر کنی (همان، ج ۴: ۴۶۰).

۳. ۲. ۸. مدیریت زمان

تفحص در زندگی افراد موفق نشان می دهد که استفاده بهینه از فرصت ها یکی از راهکارهای اولیه بهتر زندگی کردن است. امام حسن (ع) در طول دوران مبارک به این امر مهم توجه داشته و فرموده اند: ای فرزند آدم! تو همواره از آغاز به دنیا آمدن در حال از دست دادن عمر خویشتنی. بنابر این از آنچه در دست داری برای آینده ات بگیر، زیرا مؤمن توشه می گیرد و کافر لذت موقت می برد (دیلمی، ۱۴۱۴: ۲۹۷). این دنیا بر مثال عروسی است و عالمیان در حق وی سه گروهند، یکی دنیا داراست که این عروس را مشاطه گری می کند، او را می آراید و جلوه می کند. دیگر زاهد است آن عروس آراسته را تباه می کند. مویش می کند و جامه برتن می درد. سوم عارف است که او را از مهر و محبت حق چندان شغل افتاده که او را پروای دوستی و دشمنی آن نیست (رشیدالدین میبدی، ۵: ۱۶۷). یحیی معاذ گفت: روزها پنج است، یکی روز مفقود، دیگری روز مشهود، سیوم روز مورود، چهارم روز موعود، پنجم روز ممدود. اما روز مفقود روز دُینه (۲) است که بر تو گذشت و فایت شد. اما روز مشهود این روز است که تو در آنی، اگر خود را دریابی و عمل کنی و سفر آخرت را زادی برگیری و مقام رستاخیز عدتی بسازی، وقت آن یافته ای به غنیمت دار. روز مورود روز فرداست نگر تا اندیشه آن نبوی، و دل در آن نبندی و وقت خویش را به امید آن ضایع نکنی که فردای نا آمده در دست تو نیست.

گفتی بکنم کار تو بنوا فردا آن کو که ترا ضمان کند تا فردا

(همان، ۱۳۳۹: ۴۵۹)

روز موعود روز مرگ است آخر روزگار و هنگام بار، عمر به آخر رسیده و جان به چنبر گردن مانده و در غرقاب حیرت افتاده و آب حسرت گرد دیده در آمده. هشیار کسی است که آن روز را پیوسته برابر چشم خویش دارد. و روز ممدود روز رستاخیز است که خلق اولین و آخرین حشر کنند و ایشان را دو گروه کنند، گروهی نیکبختان و گروهی بدبختان (همان، ج ۴: ۴۶۰).

۳. ۲. ۹. استغفار

مصطفی (ص) گفت: خبر دهم شما را که درد شما چیست و داروی شما چیست؟ گفتند: بلی یا رسول الله! گفت: «انّ داءکم الذنوب و دواءکم الاستغفار» «درد شما گناه است و دارو استغفار (همان، ج ۷: ۴۷۶)».

۳. ۲. ۱۰. نا امید نشدن از رحمت پروردگار

هرچند گراف کار بودید و گناه کردید از رحمت الله! نا امید نشوید. (۳) بدان که تاثیر رحمت الله در حق بندگان بیش از تاثیر غضب است و در قرآن ذکر صفات رحمت بیش از ذکر صفات غضب است (همان، ج ۷: ۳۹۸).

۳. ۳. نقش عملکرد خانواده در سبک زندگی در تفسیر کشف الاسرار

۳. ۳. ۱. خانواده کانون عبودیت پروردگار

اصلی ترین کار برای تحول و ارتقای فرهنگی جامعه ارتقای فرهنگ دینی در خانواده است. دین مبین اسلام به عنوان برنامه جامع و مدون دستورهای دقیق و منظمی برای سعادت دنیوی و اخروی انسانها ارائه کرده است. خانواده به عنوان کوچک ترین واحد اجتماعی است که در محدودترین گستره مفهومی خود با ازدواج میان زن و مرد شروع می شود. خداوند توانایی هایی در مرد قرار داده است که او را مدیر و مسئول اداره زندگی می داند. برخی از مردان فکر می کنند که زن و فرزندان چون اسیرانی هستند که می توان با آنان هرگونه رفتار کرد ولی اسلام زن را موجودی عاطفی می داند که کانون محبت است. حیات و زندگی زن به عشق و علاقه بستگی دارد. (حسن زاده، ۱۳۸۷: ۶)

۳. ۳. ۲. حق والدین بر فرزندان

تأثیر مثبت رضایت والدین در محیط خانواده و در سطح جامعه بسیار مؤثر است. خانواده کانون مهم تربیتی و عاطفی و اجتماع کوچکی است که در سایه عمل کردن به دستورات و احکام و قوانین اسلامی خانواده می تواند در برابر امراض مختلف روحی خود را بیمه کند. «خدا را بندگی کنید، و چیزی را شریک او مگردانید، و نسبت به پدر و مادر احسان و نیکویی کنید.» (۴) (نساء/ ۳۶). در اخبار بسیار آمده است: که هرکس با پدر و مادر و یا یکی از آنها بدی نماید، عمر او کوتاه می شود و زندگانی اش به تلخی می گذرد، فقر و پریشانی به او هجوم می آورد، سكرات مرگ بر وی شدید می گردد، و جان کندن برایش

_____ سبک زندگی در تفسیر عرفانی کشف‌الاسرار رشیدالدین میبیدی (۸۵-۶۴) ۷۳

دشوار می شود (نراقی، ۱۳۸۹، ص ۵۲۴). بر جمله حق پدر و مادر، گفته اند که نه چیز است، پنج در زندگانی ایشان و چهار بعد از وفات ایشان. اما آن پنج که در زندگانی ایشان است: به همه دل ایشان را دوست داشتن و به زبان نیکویی گفتن و به تن خدمت بلیغ کردن و به مال عون کردن، و فرمان ایشان بردن به آنچه رضای خدا در آن باشد. اما آن چهار که بعد از وفات ایشان است: خصمان ایشان را خشنود کردن، از خیرات خویش ایشان را نصیب کردن، ایشان را دعا گفتن و از هر چه روان ایشان از آن به آزار بود پرهیز کردن (میبیدی، ج ۵: ۵۵۰). مردی در پیش مصطفی شد. گفت: یا رسول الله! من گناهی عظیم کرده ام مرا توبه هست یا نه؟ مصطفی گفت: مادر داری؟ گفت: نه. گفت: خواهر مادر داری؟ گفت: دارم. گفت: شو با وی نیکی کن (همان، ج ۱: ۲۵۰). مصطفی (ص) گفت: نیکی کردن با مادر و پدر فاضلتر است از نماز و روزه و حج و عمره و غزاء (همانجا).

۳.۳. بازتاب و نقش کسب حلال در زندگی

بنده با شرایطی در نزد خداوند محبوب و گرامی است، یکی از این راهها برای گرامی بودن نزد خداوند طلب روزی حلال است. پیامبر اسلام (ص) می فرماید: برترین زهد آن است که به رزق خویش راضی باشی و بهترین چیزی که می توانی از خدا بخواهی، عافیت در دین و دنیا است (احمدیان، ۱۳۸۵: ۳۰۵). بیدار باشید ای مردمان! چیزی که می خورید حلال خورید و پاک. و گرد خیانت و محرمات مگردید، تا از وساوس شیطان و هواجس نفس برهید و گفت و کردار شما پاک شود و دل روشن! هر که چهل روز حلال خورد چنانک هیچ حرام نخورد و به خود راه ندهد، رب العالمین دل وی روشن گرداند و چشمه های حکمت از او بگشاید و دوستی دنیا از دل وی ببرد. هر آفتی که در راه دینست و هر فتنه که برخاست از دوستی دنیا خاست و این دوستی دنیا از حرام خوردن پدید آید (رشیدالدین میبیدی، ج ۱: ۴۶۰).

۳.۴. رسیدگی به خویشان

«و ذی القربی» وایشان را وصیت کردیم به نواختن خویشان و نیکویی کردن با نزدیکان. و در خبرست که: هر که عمر دراز خواهد و روزی فراخ با خویشاوندان نیکویی کند (همان، ج ۱: ۲۵۰).

۳.۳.۵. همتایی و تناسب زن و مرد

«و لهن مثل الذی علیهن...» (بقره/۲۲۸) «و زنان را بر مردان همچنانست که مردان را بر زنان از پاک داشتن خویش و خوش داشتن براندازه توان و مردان را بر زنان در معاملت فزونی است و خدای توانا است دانا(میبدی، ج ۱: ۶۰۷). فرق خلق نگاه باید داشت و در مراعات آن به جد باید کوشید خاصه حقوق زنان و هم جفتان و از شوهران در خواست مراعات ایشان می کند و می گوید این زنان زیر دستان شما اند و امانت خدا به نزدیک شما. با ایشان نیکویی کنید و ایشان را خیر خواهید، خاصه که پرهیزگار باشند و زن پارسا شایسته سبب آسایش مرد باشد و یاور دین. وقتی که از او سوال شد یا رسول الله! از دنیا چه گیریم و چه برگزینیم؟ فرمودند: زبانی ذاکر و دلی شاکر و زنی شایسته پارسا. و منزلت زن و نقش او را در کامل شدن دین، مرد نتیجه می گیرد(همان، ج ۱: ۶۱۴-۶۱۳).

۳.۳.۶. طلاق ناخوشایندترین کارها

«الطلاق مرتان...» هرچند که طلاق در شرع مباح است، خدای دشمن دارد که سبب فراق است و بریدن اسباب الفت و وصال است. رسول خدا (ص) گفت: «ابغض المباحات الی الطلاق» نا خوشایندترین کارهای روا در چشم من طلاق است(همان، ج ۱: ۶۲۵). و مولوی در مثنوی همین صورت را تضمین کرده و فرموده:

تا توانی پا منه اندر فراق ابغض الاشیا عندی الطلاق

(مولوی، ۱۳۹۳: ۲۱۱: ب ۵۷۴۷)

رسول خدا(ص) فرمود: «نکاح کنید، زن خواهید، و طلاق مگوئید و فراق مگوئید؛ که از طلاق و فراق عرش عظیم بلرزد و هر آن زن که بی گزندگی و بی رنجی از شوهر خویش طلاق جوید، بوی بهشت به مشام وی نرسد. نکاح سبب وصلت است و الله وصال دوست دارد، و طلاق سبب فرقت است و الله فراق دشمن دارد (رشیدالدین میبدی: ج ۱۰: ۱۴۹-۱۴۸).

۳.۳.۷. رعایت حجاب

رعایت حجاب برای زن نه تنها باعث محدودیت او نیست که حفاظت و آزادیهای خانوادگی و حقوق شخصی اش را به دنبال دارد. زنان دارای حقوق الهی هستند. حجاب زن در اسلام و پوشش او نسبت به مردان افزون بر دلایلی که دارد، دارای حکمت دیگری نیز می باشد و آن حفظ جایگاه اصلی ارزش واقعی و شخصیت زن مسلمان است. میبدی زنان

سبک زندگی در تفسیر عرفانی کشف الاسرار رشیدالدین میبیدی (۸۵-۶۴) ۷۵

را از نگاه نامحرم باز می دارد. «و قل للمومنات یغضن...» (سوره نور: آیه ۳۱) «و زنان گرویدگان را گوی تا چشمها فرو گیرند و خود را پوشند از نامحرم و فرمای تا پیدا نکنند آرایش خویش و گوی تا مقنعه ها فرو گذارند بجیبها تا بر و گردن و موی پوشد و فرمای تا پیدا نکنند آرایش خویش مگر شوهران خویش را» (رشیدالدین میبیدی، ج ۶: ۵۱۶).

۴.۳. روابط اجتماعی در تفسیر کشف الاسرار

انسان فطرتاً موجودی اجتماعی است. هرفرد انسانی گرایش به جامعه‌پذیری دارد و می‌خواهد زندگی اجتماعی داشته باشد و زندگی بدون تعامل با دیگران برایش دشوار است. انسان به تنهایی توانایی برطرف کردن نیازهای خود ندارد. او هم در تأمین نیازهای مادی همچون خوراک، پوشاک، مسکن و غیره نیازمند همکاری با دیگران است و هم در تأمین نیازهای معنوی مثل دوستی و مهر ورزی و مانند آنها به فردی احتیاج دارد که او را دوست بدارد و او نیز آن را دوست داشته باشد. بنابراین انسان ناگزیر از حیات اجتماعی است و بسیاری از موهبت‌های زندگی خویش را مدیون جامعه می‌داند و او همواره از دیگران خیر و برکت دریافت می‌دارد و در سایه تعامل با اجتماع از غم و نگرانی آزار دهنده و تنهایی رها می‌شود. بر لبانش گل لبخند می‌شکند و بر علم و تجربه و آگاهیهای او افزوده می‌شود و این‌گونه است که دست لطف و مهر خداوند احساس می‌کند. چنان که رسول گرامی اسلام می‌فرماید: دست خداوند با جماعت است (ر.ک، محمدی ری شهری، ۱۳۸۱: ج ۲: ۵۳۷).

۴.۳.۱. ابتدا سلام کردن

سلام در لغت چهار معنی دارد. نامی از نامهای خداوند جل جلاله، یعنی که پاک است و منزّه و مقدس از هرعیب و ناسزا که ملحدان و بی دینان گویند. وجه دیگر آن مصدر است، یقال سلّمت سلاماً، و تأویل آن تخلص است یعنی که سلام کننده تو دعا می کند تا نفس تو و دین تواز آفات تخلص یابد. وجه سوم سلام جمع سلامت است. چهارم نام درخت است، آن درخت که عظیم باشد و قوی، و از آفات سلامت یافته (رشیدالدین میبیدی، ج ۳: ۳۶۵). تحیت مسلمانان تحیت اهل بهشت است و آن سلام کردن است و سنت چنان است که سواره بر پیاده سلام کند و رونده بر نشسته، و نفر اندک بر جمع بسیار، و اگر یکی از جماعت سلام کند از همه کفایت باشد. و بر اهل و عیال خویش سلام کردن سنت است. و چون مسلمان بر برادر مسلمان رسد، چندانک رسد سلام باز نگیرد (همان، ج ۱: ۲۸۶).

۳.۴.۲. مدارا با مردم

واژه شناسان رفق و مدارا را نرم خویی، ترک زور و خشونت معنا کرده‌اند و مدارا نقش بسیار سازنده‌ای در زندگی خانوادگی و اجتماعی انسان دارد. در امان ماندن دین و دنیا، سرازیر شدن خیر و برکت، پایدار ماندن دوستی و صمیمیت، پوشیده ماندن عیوب، از بین رفتن کینه و دشمنی از آثار و برکات رفق و مدارا است. «و اصلحوا ذات بینکم...» (سوره انفال/۱). با مردم به صلح و آشتی زندگانی کنید و بی‌آزار زیید، و این نتوانید مگر که حظّ خود بگذارید و حظّ دیگران نگه دارید. اگر توانید ایثار کنید و گر نه انصاف دهید (رشیدالدین میبدی، ج ۴: ۱۰).

۳.۴.۳. دعا و خیرخواهی

دعا کلید رحمت است و گواه عبودیت و پیوستن را وسیلت. هرکس در دعا بر وی گشادند در اجابت هم بر وی گشادند که می گوید جلّ جلاله: «ادعونی استجب لکم» (سوره غافر آیه/۶۰) مصطفی(ص) گفت الدعاء سلاح المومن و عماد الدین و نور السموات و الارض (رشیدالدین میبدی، ج ۴: ۲۶۹). ارباب حوایج جهد کنند و طاعت آرند و اوراد شمرند و آنکه حاجتهای خود بر پی آن عرضه کنند و دل در پاداش بسته و الحاح در دعا و حاجت خواست کرده(همان، ۷: ۱۳۴).

۳.۴.۴. آداب معاشرت

اما اصول آداب صحبت در معاملت با خلق آن است که نصیحت کردن و شفقت نمودن از هیچ مسلمانی باز نگیری، و خود را را از همه کس کمتر دانی، و حق همه کس فراپیش خویش داری، و انصاف همه از خود بدهی، به طریق ایثار و مواسات و حسن الخلق و از خلاف و معارضه برادران و دروغ زدن به ایشان پرهیزی و ایشان را سخن درشت و جواب ناخوش نگویی(همان، ج ۲: ۶۲۵).

۳.۴.۵. عفو و گذشت و انتقام نگرفتن

بزرگترین فایده گذشت، ایجاد آرامش در زندگی فردی و اجتماعی است. زیرا آرامش موجب بهبود روابط با دیگران و کاستن روشهای نامطلوب کلیه هیجان‌هایی مانند انتقام‌گیری، بدگویی از دیگران می‌شود. «در مجازات گناه کسی شتاب نکن بلکه در آن بین، فرصتی برای معذرت خواهی بگذار (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۸: ۱۱۳). «والعافین عن الناس»

سبک زندگی در تفسیر عرفانی کشف‌الاسرار رشیدالدین میبدی (۸۵-۶۴) ۷۷

(آل عمران/۱۳۴) ایشانند که از گناه مردمان در گذارند و محو کنند، پس بر آن اقتصار نکنند بلکه ایشان را بنوازند و از فضل مال خویش ایشان را عطا دهند. این صفت محسنان است، و الله تعالی دوست ایشانست که می گوید: «والله يحبّ المحسنين» و در معاملت خلق آنست که اگر کسی با تو بد بود تو با وی نیک باشی. و آن کس که ترا نشاید تو وی را بشایی (رشیدالدین میبدی، ج ۲: ۲۸۴).

۳. ۴. ۶. انفاق به دیگران

از آن جایی که یکی از عوامل انحراف و سقوط اخلاقی در هر اجتماع «فقر» می باشد و بسیاری از جرائم و بزهکاری ریشه در نیاز شدید مالی دارد، لذا تعالیم اسلام درصدد است که قبل از وقوع جرم، واقعه را علاج نماید. تعالیم اسلام می خواهد انسانی بسازد که به هم نوع خود توجه داشته باشد و خود را در برابر برادران دینی در جامعه مسؤول بداند و در رفع حوائج و نیازمندی‌های آن‌ها تلاش نماید تا علل انحراف‌های اخلاقی در ریشه خشکانده شود و جامعه از ورطه هلاکت و تباهی مصون و محفوظ بماند. گفته اند: انفاق بر سه رتبت است: اول سخا، دیگر جود، سدیگر ایثار. صاحب سخا بعضی دهد و بعضی ندهد، صاحب جود بیشتر دهد و قدری ضرورت خود را بگذارد و صاحب ایثار همه بدهد و خود را و عیال را به خدا و رسول سپارد (همان: ۲۰۷).

۳. ۴. ۷. همبستگی و وحدت

وحدت و همبستگی یکی از مواردی است که تداوم و پایداری نظامها و ملتها به آن بستگی دارد. وحدت مایه استواری و نیرومندی و اختلاف موجب شکست و سستی و از کف دادن قوت و قدرت است. حثّ مسلمانان است بر الفت و اجتماع که نظام ایمان به آن است و استقامت کار عالم بسته در آن است و الفت اجتماع مسلمانان ادب دین است و زین شریعت و نظام اسلام و مایه خیر و رکن هدایت و اصل طاعت و موجب ثواب (همان: ۲۳۸).

۳. ۴. ۸. امر به معروف و نهی از منکر

امر به معروف و نهی از منکر دو فریضه بزرگ دین مبین اسلام محسوب می‌شود. امام باقر(ع) می فرماید: امر به معروف و نهی از منکر راه انبیا و روش صالحان است (حرعاملی، ۱۴۰۹ق؛ ج ۱۶: ۱۱۹). و معروف به آن معروف است که هرنفس او را شناسد و پذیرد و ستاید. و منکر نامیست هر مستنکر را و منکر ضد معروف است و منکر ضد عرف است. و این امر

معروف و نهی منکر قطبی است از اقطاب دین که انبیا را به این فرستادند و به این دعوت کردند، اگر مندرس شود شعاع دین باطل گردد. پس بر هر مسلمان واجب است و فریضه به جای آن و به پای داشتن آن (رشیدالدین میبدی، ج ۲: ۲۳۳).

۳. ۴. ۹. مهربانی با یتیمان

صعب است مال یتیمان خوردن و درخواستی ایشان طمع بیهوده کردن. آورده‌اند: از آن اعجوبه مملکت عیسی پاک(ع) که وقتی به گورستانی بگذشت، گفت: بارخدا! یکی را ازین بندگان خود زنده کن. در حال پاره خاک فرو شد و شخصی بلند بالا ازین خاک برآمد و بایستاد، عیسی(ع) ازو بسهمید. گفت: عالم چند است تا بدین خاک فرو رفتی؟ گفت: دو هزار و هفتصد سال. گفت: بگو تا مرگ را چگونه یافتی؟ گفت: از آن وقت باز که به این خاک فرو رفته‌ام تا اکنون هنوز تلخی مرگ با من است. گفت: بگو تا خدا با تو چه کرد؟ گفت: یا روح‌الله! از دو هزار و هفتصدسال باز هنوز در مطالبت حسابم نیم دایم سیم‌ام که یتیمی را در گردن من بوده است و هنوز از این مطالبت فارغ نگشته‌ام، این بگفت و به خاک فروشد (همان، ج ۲: ۴۴۳-۴۴۲). چندانکه توانی یتیمان بنواز و در مراعات و مواسات ایشان بکوش که ایشان در ماندگان و اندوهگنان خلقند، نواختگان و نزدیکان حقند. ان الله یحب کل قلب حزین (همان، ۱: ۵۹۴).

۳. ۴. ۱۰. در نظر گرفتن سطح فکری مخاطب

با هرکسی سخن به قدر عقل وی گویند و آنچه بر وی بر نتابد بر وی منهد. هرکسی را جام او بر جان او همسان کنید هرکسی را نقل او با عقل او هم بر نهید (همان: ۳۲۹-۳۲۸)

۳. ۴. ۱۱. آداب غذا خوردن

رعایت آداب غذا خوردن بر زندگی انسان و سلامت او تأثیر دارد. دوازده مسئله باید دانست تا یک لقمه شرط دین بتوان خورد. چهار فریضه واجب، چهار سنت و چهار ادب. آنچه فریضه است حلال خوردن و پاکیزه خوردن، روزی گمار خدای را دانستن و شکروی گذاردن. و آنچه سنت است اول «بسم الله» گفتن، پیش از طعام دست بشستن و به آخر الحمدلله گفتن و از کرانه قصعه خوردن. و آنچه ادب است برپای چپ نشستن، در لقمه کس ننگریستن، از پیش خود خوردن، پس از طعام دست بشستن (همان، ج ۳: ۴۷۱).

۳. ۴. ۱۲. اهمیت جهاد

از آیات قرآن و احادیث پیشوایان دینی به روشنی آشکار می شود که هدف اصلی جهاد از میان برداشتن فتنه و برقراری آیین الهی و پیاده کردن احکام نجات بخش اسلام است. هدف جهاد اسلامی براساس بینشی انسانی استوار است و برای نجات انسانها از گمراهی و انحراف معین شده است. «و قاتلوهم حتی لا تكون فتنه...» (بقره/ ۱۹۳). ای مسلمانان! در راه دین، که الله جنگیان و غازیان را دوست دارد. خدای آن مردان مبارز، در مقام جهاد و قتال، جان بذل کرده، متن سبیل و دل فدا از بهر اعزاز دین و اعلاء کلمه حق را دوست دارد (رشیدالدین میبیدی، ج ۱: ۵۲۱).

۳. ۴. ۱۳. شکرگزار نعمتهای خداوند باشیم

این باز نعمتی دیگر است، و بر بندگان منتی دیگر، که شما را نه خود باغ و بستان و انواع درختان و میوه های الوان آفریدم و ساختم که چهار پایان و جانوران را هم آفریدم و مستخر شما کردم (۶) و منافع شما در آن نهادم، چنان که جایها در قرآن از آن منافع خبر داد این همه نعمت و نواخت از ما بین و شکر از ما کن (رشیدالدین میبیدی، ج ۳: ۵۱۶). در صورتی که انسان از این نعمتها به نحو مطلوب استفاده نماید، زیادت نعمت به شکل تداوم آن نعمت یا اختصاص نعمت دیگر به عنوان پاداش عملکرد صحیح خویش در بهره وری از نعمت بهره مند می گردد. (۷) ای بصر تو با بصیرت و عبرت باش. «فاعتبروا یا اولی الابصار» (حشر/ ۲) ای زبان تو در ذکر آلاء و نعماء من باش. «فاذکروا آلاء الله». (اعراف/ ۶۹) ای دست تو گیرنده اقداح لطف باش. «ان الله لا يحب کل خوان کفور» (حج/ ۳۸) الله تعالی دوست ندارد هر خیانت کاری ناسپاس، خیانت هم در اموال رود هم در اعمال هم در احوال، در اموال باختزال رود و در اعمال به ریا و تصنع و در احوال بملاحظت اغیار (همان، ج ۶: ۳۹۰).

۴. نتیجه گیری

از مباحث گفته شده چنین در می یابیم که:

- سبک زندگی مجموعه ای از رفتارهای سازمان یافته است که متأثر از باورها، ارزشها و نگرشهای پذیرفته شده فرد یا گروهی است. دین مبین اسلام به عنوان کامل ترین دین الهی، فرمانها و توصیه های قابل توجهی در زمینه تربیت انسان دارد. سبک زندگی مقوله های

فردی و جمعی است به بیان دیگر هم می توان در سطح فردی یافت و مطالعه کرد و هم در سطوح اجتماعی.

- قرآن کریم مشتمل بر آموزه هایی است که از الگوی تعامل اخلاقی انسان با اجتماع حکایت دارد.

- کتاب تفسیر کشف الاسرار رشیدالدین میبیدی عظیم ترین و قدیم ترین تفسیر عرفانی فارسی است که مجموعه ای از لطایف حکمی و نکات قرآنی و اشارات نبوی در بر دارد. میبیدی در کتاب خود برای پند و اندرز به داستانها و حکایات توجه نشان داده است.

- بدون تردید سازندگی درونی انسان و اصلاح و تهذیب نفس او در سعادت فردی، اجتماعی، دنیوی و اخروی نقش به سزایی دارد، به طوری که اگر انسان تمامی علوم را تحصیل کند و کلیه نیروهای طبیعت را به تسخیر خویش در آورد، اما از تسخیر درون و تسلط بر نفس خود ناتوان باشد، از رسیدن به سعادت و نیل به کمال باز خواهد ماند.

- در جهان بینی الهی زندگی واقعی زندگی اخروی است که زندگی دنیوی همچون ابزار و مجموعه ای است که بایستی تا می توان در آن کاشت تا در جهان دیگر درو نمود و به هدفی رسید که کمال انسان و مقصد عالی حیات قرب به خداست.

- آداب اسلامی سبک زندگی و انضباط رفتاری است که تحت آرمان عالی عبودیت قرار دارد. کسی که عبودیت و بندگی را مقصد حیات خود می بیند نمی تواند نسبت به چگونگی زندگی فردی خود بی تفاوت باشد.

- انسان با استعداد قدرت مسخرسازی طبیعت و با قدرت آفرینندگی خویش قادر است با تلفیق عناصر طبیعت با عناصر کیفیت زندگی خویش در محل زندگی، محیط زیستی را برای خویش سامان بخشد که ضمن بهره مندی از طبیعت، ابعاد فرهنگی، تاریخی، معنوی را پدید آورد که شکل دهنده بعد انسانی باشد.

- نظام اخلاقی اسلام همه عرصه های حیات انسان را در بر می گیرد. برخی از ادیان جهان نظام اخلاقی خود را به تنظیم بخشی از روابط انسان محدود کرده اند، این ویژگی تکلیف اخلاقی افراد را در عرصه های دیگر نامعلوم می گذارد. در حالی که اسلام به همه ابعاد وجودی انسان توجه دارد و تمامی روابط انسان را تحت پوشش هدایت اخلاقی خود می گیرد

جدول شماره ۱: سبک زندگی در تفسیر کشف الاسرار میبدی

رفتار فردی و خودسازی	عملکرد خانواده	روابط اجتماعی
اطمینان و آرامش	خانواده کانون عبودیت	سلام و مصافحه
تکیه و توکل بر خداوند	حق والدین بر فرزندان	دعا و خیرخواهی
خشوع در نماز	بازتاب و نقش کسب حلال	آداب معاشرت
شکر خداوند	رسیدگی به خویشان	عفو گذشت
تفکر در اعمال و افعال	همتایی و تناسب ازدواج	انفاق به دیگران
اعتقاد به معاد	رعایت حجاب	همبستگی و وحدت
صبر و بردباری	طلاق ناخوشایندترین کارها	امربه معروف و نهی از منکر
مدیریت زمان	در نزد خدا	مهربانی با یتیمان
استغفار		در نظر گرفتن سطح فکری مخاطب
ناامید نشدن از رحمت		اهمیت جهاد
پروردگار		شکرگزار نعمتهای خداوند باشیم

پی نوشت:

(۱) - أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ قِيلَ لَهُمْ كُفُّوا أَيْدِيَكُمْ وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ فَلَمَّا كُتِبَ عَلَيْهِمُ الْقِتَالُ إِذَا فَرِيقٌ مِنْهُمْ يَخْشَوْنَ النَّاسَ كَخَشْيَةِ اللَّهِ أَوْ أَشَدَّ خَشْيَةً وَقَالُوا رَبَّنَا لِمَ كُتِبَ عَلَيْنَا الْقِتَالُ لَوْأَلَّا أَخَّرْتَنَا إِلَى أَجَلٍ قَرِيبٍ قُلْ مَتَاعُ الدُّنْيَا قَلِيلٌ وَالْآخِرَةُ خَيْرٌ لِمَنِ اتَّقَى وَلَا تُظْلَمُونَ فَتِيلًا (سوره نساء / ۷۷)

کسانی را که به آنان گفته شد [فعلا] دست [از جنگ] بدارید و نماز را برپا کنید و زکات بدهید و [الی] همین که کارزار بر آنان مقرر شد بناگاه گروهی از آنان از مردم [=مشرکان مکه] ترسیدند مانند ترس از خدا یا ترسی سخت تر و گفتند پروردگارا چرا بر ما کارزار مقرر داشتی چرا ما را تا مدتی کوتاه مهلت ندادی بگو بر خورداری [از این] دنیا اندک و برای کسی که تقوا پیشه کرده آخرت بهتر است و [در آنجا] به قدر نخ هسته خرمایی بر شما ستم نخواهد رفت.

(۲) - دینیه: دیروزی، دیروزین. (معین، ۱۳۸۵: ذیل واژه)

(۳) - قُلْ يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَىٰ أَنْفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ (سوره زمر/۵۳)

بگو ای بندگانم که زیاده بر خویشتن ستم روا داشته‌اید، از رحمت الهی نومید مباشید، چرا که خداوند همه گناهان را می‌بخشد، که او آمرزگار مهربان است.

(۴) - (وَاعْبُدُوا اللَّهَ وَلَا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا ۚ وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا وَبِذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينِ وَالْجَارِ ذِي الْقُرْبَىٰ وَالْجَارِ الْجُنُبِ وَالصَّاحِبِ بِالْجَنبِ وَابْنِ السَّبِيلِ وَمَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ ۚ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ مَنْ كَانَ مُخْتَلًا فَخُورًا). (سوره نساء آیه ی ۳۶)

خدای یکتا را پرستید و هیچ چیزی را شریک وی نگیرید و نسبت به پدر و مادر و خویشان و یتیمان و فقیران و همسایه دور و نزدیک و دوستان موافق و رهگذران و بندگان که زیردست تصرف شما نیستند نیکی کنید، که خدا مردم متکبر خودپسند را دوست ندارد.

(۵) أَفَمَنْ يَعْلَمُ أَنَّمَا أُنْزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ الْحَقُّ كَمَنْ هُوَ أَعْمَىٰ إِنَّمَا يَتَذَكَّرُ أُولُو الْأَلْبَابِ. (سوره رعد/ ۱۹) پس آیا کسی که می‌داند آنچه از جانب پروردگارت به تو نازل شده حقیقت دارد مانند کسی است که کوردل است تنها خردمنداند که عبرت می‌گیرند.

(۶) - (وَ سَخَّرَ لَكُم مَّا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا مِنْهُ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ. (سوره جاثیه/ ۱۹)

او آنچه در آسمان‌ها و آنچه در زمین است همه را از سوی خودش مسخر شما ساخته در این نشانه‌های (مهمی) برای کسانی که اندیشه می‌کنند.

(۷) - «وَ إِذْ تَأَذَّنَ رَبُّكُمْ لَئِنْ شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ وَلَئِنْ كَفَرْتُمْ إِنَّ عَذَابِي لَشَدِيدٌ» و به یاد بیاورید آن زمانی را که پروردگارتان اعلام کرد که اگر سپاسگزاری کنید، حتماً افزونتان دهم و اگر کفران کنید، عذاب من بسیار سخت است» (سوره ابراهیم/۷)

_____ سبک زندگی در تفسیر عرفانی کشف الاسرار رشیدالدین میبیدی (۸۵-۶۴) ۸۳

کتابنامه

- قرآن کریم، ترجمه مکارم شیرازی. ۱۳۸۹. قم: چاپ اسوه.
- احمدیان، ابراهیم. ۱۳۸۵. *سخنان گهربار پیامبر اعظم*. قم: چاپ گلها.
- آریان پور، منوچهر. ۱۳۸۹. *فرهنگ پیشرو آریان پور*. تهران: جهان رایانامه امین.
- انزایی نژاد، رضا. ۱۳۸۸. *نواخوان بزم صاحب دلان*، گزیده کشف الاسرار و عده الابرار. چاپ سیزدهم. تهران: نیل.
- جلالی پندری، یداله. ۱۳۷۸. *یادنامه ابوالفضل رشیدالدین میبیدی*. جلد اول. انتشارات یزد.
- حر عاملی، محمد بن حسن. ۱۴۰۹ق. *وسائل الشیعه*. قم: موسسه آل البيت.
- حسن زاده، علی. ۱۳۸۷. *راه سبز (احکام و بیره پسران)*. چاپ سوم. تهران: سنبله.
- دیلمی، حسن. *اعلام الدین*. ۱۴۱۴ق. بی جا: موسسه آل البيت.
- رشیدالدین میبیدی، ابوالفضل. ۱۳۳۹. *تفسیر عرفانی کشف الاسرار و عده الابرار (ج ۱-۱۰)*. تهران: انتشارات امیرکبیر.
- رکنی، محمدمهدی. ۱۳۸۹. *لطایفی از قرآن کریم*. چاپ چهاردهم. مشهد: شرکت به نشر.
- سبحانی نژاد، نجفی، مهدی، حسن. ۱۳۹۳. «تحلیل ابعاد شناسایی مسئولیت پذیری در سبک زندگی اسلامی». *سراج منیر*. سال ۵، شماره ۱۶. پاییز ۹۳. ۱۷۰-۱۵۰.
- شریعتی، سید صدرالدین. ۱۳۹۲. «در آمدی بر سبک زندگی اسلامی در آیات و روایات». *فصلنامه فرهنگ مشاوره و روان درمانی*. سال چهارم. شماره ۱۳. بهار ۹۲. صص ۱۰-۲.
- شکاری، رقیه. ۱۳۸۹. *فرهنگ علوم اجتماعی*. تهران: جامعه شناسانه.
- فقیهی، نجفی، علی نقی، حسن. ۱۳۹۴. «سبک ائمه و پیامبر در مواجهه با دیگران». *سراج منیر*. سال ششم. شماره ۱۹. تابستان ۹۴. ۱۵۸-۱۳۸.
- محمدی ری شهری، محمد. ۱۳۸۱. *میزان الحکمه*. ترجمه سیدابوالقاسم حسینی. قم: دارالحديث.
- مجلسی، محمدباقر. ۱۴۰۳ق. *بحار الانوار*. بیروت: دارالاحیاء.
- مصباح، محمدتقی. ۱۳۹۲. سبک زندگی اسلامی، «ضرورت و کاستی ها». *ماهنامه معرفت*. شماره ۱۸۵. صص ۵-۱۲.

معین، محمد. *فرهنگ فارسی معین*. ۱۳۸۵. تهران: امیرکبیر.

مهدوی کنی، محمد سعید. ۱۳۹۰. *دین و سبک زندگی*. تهران: دانشگاه امام جعفر صادق.

نراقی، ملا احمد. ۱۳۸۹. *معراج السعاده*. قم: بهار دلها.

Makarem Shirazi (2010), Quran, Osveh Pulication, Qum.

Ebrahim, Ahmadyan (2006), good words by the prophet Muhammad, Golha publication, Qum.

Manuchehr Aryanpour (2010), Aryan pour's Pishrou encyclopedia, Amin Rayanameh Amin, Tehran.

Reza AnzabiNejad (2009), to sing Mystic's Banquet, selected Kashf Al-asrar va uddat Al-abrar, thirteenth edition, Nil, Tehran.

Yad Allah JalaliPendari, (1999), Memoir of Abolfazl Rashid Al-din Meybodi, first edition, Yazd Pulication.

Muhammad Ben-Hassan Hurr-e Ameli, (1988), Vassael-al Shea, Al-al Beit institution.

Ali HassanZadeh,(2008), Green Way (Special sentences for boys), third edition, Sonboleh, Tehran.

Hassan Deylami (1993), Alam-al din, Bi ja, Al-al Beit institution.

Abolfazl Rashid Al-din (1960), mystical interpretation of Kashf Al-asrar va uddat Al-abrar (1st-10th edition), Amir Kabir publication, Tehran.

Muhammad Mahdi Rokni (2010), light words of Quran, fourteenth edition, Beh Nashr company, Mashhad.

Mehdi Sobhani Nejad, Hassan Najafi (2014). "the analysis of responsibility identification dimensions in Islamic life style" Tehran, Seraj-Monir publication, 5th year, No. 16, Autumn (2014), P.150-170

Saed Sadr-Al din shariati (2013). "an introduction to life style in verses and traditions", Tehran, Quarterly Journal of Counseling and Psychotherapy, fourth year, No. 13, spring 2013, P.2-10

Roghayeh Shekari (2010), social science culture, Jamae Shenasaneh, Tehran.

Faghihi, Najafi, Ali Neghi, Hassan (2015). "The style of the Imams and the Prophet in the face of others." Seraj Mounir. Sixth year. The number 19. Summer.

Mehdi Sobhani Nejad, Hassan Najafi (2014). "the analysis of responsibility identification dimensions in Islamic life style" Tehran, Seraj-Monir publication, 5th year, No. 16, Autumn (2014), P.150-170

_____ سبک زندگی در تفسیر عرفانی کشف الاسرار رشیدالدین میبیدی (۸۵-۶۴) ۸۵

Muhammad Muhammadi Reyshahri, Mizan-al Hikmeh (2002), translated by Abolghasem Husseini, dar-al Hadith, Qum.

Muhammad Bagher Majlessi (1982), Behar-al Anvar, Dar-al ehya, Beirut.

Muhammad Taghi Misbah (2013), Islamic life style necessity and shortcomings, Maarefat monthly magazine, No. 185, P.5-12.

Muhammad Moen (2006), Persian encyclopedia of Moen, AmirKabir, Tehran.

Muhammad Saeed Mahdavi-Kani(2011), religion and life style, Imam Sadegh university, Tehran.

Mulla Ahmed Naraghi (2010), Metaj-al saadeh, Bahar-e Delha, Qum.